



## ملی شدن، روایت دیروز، نگاه امروز

(۱۳۲۷)، طبق محاسبات شرکت سابق نفت انگلیس و ایران، درآمد خالص آن از ۶۱ میلیون پوند تجاوز کرد.

اما از این مبلغ ایران فقط ۹ میلیون پوند دریافت کرد و این در حالی بود که ۲۱ میلیون پوند از این سود فقط به حساب خزانه‌داری بریتانیا بابت مالیات درآمد واریز شد.

در این جا باید اضافه کنم که جمعیت ساکن در منطقه‌ی جنوب ایران و اطراف آبادان، که بزرگ‌ترین پالایشگاه نفت جهان در آن قرار دارد، در شرایط فقر مطلق به سر می‌برند و از ابتدایی‌ترین ضروریات زندگی محروم‌اند. اگر بهره‌برداری از صنعت نفت ما در آینده نیز همچون گذشته ادامه پیدا کند، اگر ما قرار باشد در همان شرایطی بمانیم که ایرانی صرفاً به کار دستی در حوزه‌های نفتی مسجد سلیمان، آغاچاری و کرمانشاه و در پالایشگاه آبادان ادامه دهد، و اگر استثمرگران خارجی همچنان و عملاً تمام درآمد ما را به خود اختصاص دهند، مردم ما برای همیشه در شرایط فقر و بینوایی باقی خواهند ماند.

دکتر محمد مصدق با چنین استدلال و آرمانی ملی شدن صنعت نفت را آغاز کرد. حرکتی که بعدها در دیگر کشورهای نفتی منطقه نیز پا گرفت.

امروز اما بعد از گذشت بیش از ۵۰ سال از دولتی شدن صنعت نفت، روند دیگری آغاز شده است. با ابلاغ سیاست‌های بند «ج» اصل ۴۴ قانون اساسی در سال ۸۵، روند واگذاری فعالیت‌ها و شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی وارد فاز جدیدی شده است. بر اساس مطالعات کارشناسی قرار است بخشی از سهام پالایشگاه‌ها، مجتمع‌های پتروشیمی و دیگر شرکت‌های نفتی به دلیل ظرفیت محدود بورس ایران در بورس‌های

«آری تنها گناه من و گناه بزرگ و بسیار بزرگ من این است که صنعت نفت ایران را ملی کرده‌ام و بساط استعمار و اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی عظیم‌ترین امپراتوری‌های جهان را از این مملکت برچیده‌ام». این صدای دکتر محمد مصدق است که برای آخرین بار در سی و چهارمین جلسه دادگاه از کارنامه خود دفاع می‌کرد.

وی پیش از این در ۱۵ اکتبر ۱۹۵۱ (۲۱ مهر ۱۳۳۰) با حضور در شورای امنیت به بیان دیدگاه‌های خود پیرامون ملی کردن صنعت نفت پرداخت. «هم‌میهنان من فاقد وسایل اولیه و ضروری زندگی‌اند و سطح زندگی آنها احتمالاً از جمله‌ی پایین‌ترین سطوح زندگی در دنیا است. بزرگ‌ترین منبع طبیعی ما نفت است.

این نفت باید منبع کار و غذای مردم ایران باشد. بهره‌برداری از آن باید به نحو مناسبی در اختیار صنعت ملی ما قرار گیرد و درآمد حاصل از آن باید صرف بهبود شرایط زندگی مردم ایران شود. با این حال، صنعت نفت که اکنون تشکیلاتی پیدا کرده، عملاً هیچ کمکی به رفاه مردم یا پیشرفت فنی و یا توسعه‌ی صنعتی کشور من نکرده است، دلیل آن هم این است که پس از ۵۰ سال بهره‌برداری از آن توسط یک شرکت خارجی، ما هنوز به اندازه‌ی کافی تکنسین ایرانی در اختیار نداریم و مجبوریم از کارشناسان خارجی دعوت به کار کنیم. اگر چه ایران در تأمین نفت جهان نقش چشمگیری ایفا می‌کند و طی نزدیک به پنجاه سال جمعاً ۳۱۵ میلیون تن نفت تولید کرده، اما کل منافع آن بنا به محاسبات شرکت سابق نفت، فقط یک درصد میلیون پوند استرلینگ بوده است.

برای این که تصویری از رقم منافع ایران از این صنعت عظیم به دست دهم، باید بگویم که در سال ۱۹۴۸

بین‌المللی عرضه شود البته مشروط به اینکه خارجی‌ها سهم غالب را در اختیار نداشته باشند.

معنی و مفهوم این حرکت جز این نیست که دولتی شدن صنعت نفت نیز نتوانست منافع ملی کشور را تأمین کند. اگر اقتصاد کشور امروز آن چنان بزرگ و ناکارآمد شده است همه از پیامد دولتی شدن نفت است.

دولت مصدق به جای ملی ساختن صنعت نفت، می‌توانست با تجدیدنظر در قرارداد، وضع مالیات و افزایش بهره مالکانه، منافع دریافتی ایران از نفت را افزایش دهد.

اگر چنین راهی انتخاب شده بود و صنعت نفت کشور همچنان خصوصی مانده بود الان کشور تا بدین حد با انواع و اقسام معضلاتی که در رابطه با یارانه سوخت با آن روبرو شده است، وجود نداشت. به هر حال وابستگی اقتصاد ایران به نفت و معضلات ناشی از آن از قبیل غیر پاسخگو شدن دولت و اتلاف منابع مالی از راه تخصیص یارانه‌های انرژی به همان ملی شدن صنعت نفت باز می‌گردد. حال شاید بتوان گفت آری «تنها گناه و گناه بسیار بزرگ مصدق این بود که صنعت نفت ایران را ملی کرد.»